



۲۰۲۱/۱۱/۲۷



دوکتور م، عثمان تره کی

## تحلیل « لومانند دیپلوماتیک » از اوضاع افغانستان

دنباله بحث

ماهانامه فرانسوی « لومانند دیپلوماتیک » به ۲۲ لسان زنده دنیا نشر میشود. منبع معلومات مستند، بیطرف و دست اول برای حلقات سیاسی و دیپلوماتیک جهان شناخته شده است.

« لومانند دیپلوماتیک » در آستانه ورود طالبان به کابل بخشی از شماره ماه سپتامبر خود را به تحلیل اوضاع افغانستان اختصاص داده است. درین تحلیل به عوامل شکست امریکا و متحدین و اسباب موفقیت طالبان اشاره شده است.

ماهانامه فرانسوی قضیه افغانستان را با ضابطه های جامعه شناسی سیاسی ارزیابی دقیق میکند و سیاست غرب را در جهت متلاشی ساختن ساختار های دولتی و زمینه سازی بذرتخم نفاق و جزائر قدرت افشا مینماید.

مطالب منعکس شده در ماهنامه را برای بسیاری هموطنانی که در تلاش دریافت حقیقت در باب چند و چون معضله کشور هستند، الهام بخش، آموزنده و رهنمود دهنده یافتیم. خوشوقتم که ترجمه، تلخیص، ترکیب و تنظیم چند نوشته ماهنامه را با شما شریک میسازم. م، ع، تره کی

\* \* \*

### فقدان شناخت دشمن :

با تعجب قوای ائتلاف هیچگاهی ارزیابی درست از کم و کیف دشمن خود نداشت. در ۲۰۰۸ م جنرال « داوید مک کران » قوماندان ائتلاف نظامی گفت: « من در سطح عملیاتی و ستراتژیک هم آهنگی میان گروه های شورشی نمی بینم. آنچه مشاهده میشود، شورشی است که عمیقاً محلی و منطوقی شده است. گروه ها گاهی متحد با هم با قوای خارجی میجنگند و در موارد دیگر در مقابل همدیگر قرار میگیرند. در همه حال حمایت مردم را با خود ندارند ». با این ذهنیت قوای ضد شورش ائتلاف بین المللی با فرض اینکه جنبش طالبان از ده ها گروهی که روی انگیزه های قبیله ای، قومی و اقتصادی با هم در زد و خورد دائمی اند تشکیل شده است، وارد معرکه میگردید. طور مثال این نظر که جنگ جویان طالب برای دریافت ۳۰۰ دالر در ماه که مبلغ قابل ملاحظه در شرایط افغانستان قیاس میشود، میجنگند، برداشت مسلط از اوضاع بود، بی آنکه حقیقت جست و جو شود. ازین گذشته صاحب نظران از مدت ها به این سو بدون ارائه مدارک اثبات، شبکه حقانی را گروه مستقل از متن تحریک طالبان معرفی میکردند، در حالیکه چنین نبود: سراج الدین حقانی در نامه ای که به نویارک تایمز نوشت خود را معاون رهبری طالبان معرفی کرد و عبارت « آنچه ما طالبان می خواهیم ... » را بکار برد.

در واقعیت امر جنبش طالبان دارای مرکزیت قومانده و ایدیولوژی سازمان یافته است. رهبران برجسته آن از مدارس دیوبندی پاکستان که منظمأ شاگردان خود را برای جنگ در افغانستان میفرستاد فارغ شده اند. شبکه مکتب های مذهبی دیوبندی علمای مذهبی را با دیدگاه بنیادگرایی و شایستگی و صلاحیت ضروری برای ایجاد مبانی یک بوروکراسی آموزش میدهد.

تغییر و تبدیل دورانی اداره چپان ( مشران ) ولایات مختلف و رعایت هم آهنگی لازم در زمینه بدون ابهام نشان میدهد که ما با تشکیلات دارای سلسله مراتب و موثریت نسبی مواجه هستیم : عزل های هدمند اداره چپان بلند رتبه انضباط این تشکیلات را ترسیم مینماید. قوماندانان واجد نوعی خود مختاری تکتیکی هستند، اما الزامأ باید از اوامر مقام بالا متابعت کنند. قوماندانان و بسیاری از مسئولین نظامی وقتاً فوقتاً به دلیل عدم رعایت دسپلین ( نظم ) از وظایف شان سبکدوش شده اند.

طالبان از سال ۲۰۰۶م به جنگ جویان خود لایحه رهنمود کننده یی را توزیع کردند که در آن به حقوق اسلام حواله شده بود. در ۲۰۰۹ م در نسخه تجدید نظر شده مقرر به حقوق انسان دوستانه بین المللی توجه معطوف گردید. تشدد علیه ملکی ها و اعدام جاسوسان بدون محاکمه رسماً منع شد. با اینهم لایحه نتوانست جلو ارتکاب منظم جنایات جنگی را بگیرد. طالبان برخلاف داعش که سازماندهی ترور های پر سر و صدا علیه ملکیان را ادعا مینماید، دست به ارتکاب قتل های سیاسی میزنند.

### انتقال مسالمت آمیز قدرت رهبری:

انتقال آرام قدرت در سطح رهبری و هم آهنگی و وحدت موضعگیری ها در جریان مذاکرات موید ثبات و استحکام جنبش طالبان است : باری که در سال ۲۰۱۵م استخبارات حکومت کابل پرده از روی وفات ملا عمر در سال ۲۰۱۳ م برداشت، اختلاف بر سر جانشینی رهبر غیر محسوس بود. ازین گذشته وقتی در پاکستان ملا اختر منصور توسط درون امریکا کشته شد، ملا هبت الله آخوند بدون اشکال در راس جنبش قرار گرفت. انتقال بدون جنجال سمت رهبری جنبش طالبان با سه مرحله انتخابات حکومت جمهوری که طی آن دو کاندید دور دوم انتخابات ادعای موفقیت را نمودند در تضاد مطلق قرار دارد. در سطح محلی شورشیان طالب عندالافتضا کدر های اداری خود را از یکجا به جای دیگر تبدیل نمودند، در حالیکه عزل یک والی توسط حکومت کابل موجب برهم خوردن تعادل سیاسی یک ولایت میشد و بار ها با مخالفت مواجه میگردد.

### قهرمانان وحدت ملی :

طالبان از غوزه ساختار اولی خود که جمعاً از پشتون های جنوب ترکیب شده بود بیرون شده اند. آنها دامنه جلب و جذب خود را در شمال و غرب کشور در میان اقوام دیگر توسعه بخشیده اند. به این نحو طالبان در تمام کشور حضور پیدا کرده اند. در ۲۰۱۶ م اورگان عالی طالبان یعنی شورای قوماندانان از دوازده تن ترکیب شده بود. تعادل قومی شورا به نفع پشتون ها شکل گرفته بود. با آنهم دران یک تاجک، یک ازبک و یک ترکمن عضویت داشت. در حالیکه احزاب سیاسی در کابل بر محور مدعیات قومی درگیر منازعات بودند، طالبان در مشی خود به کسی اجازه استفاده از تمایلات قومی را نمیدادند. آنها جنبش خود را به مثابه قهرمان ملی افغان ها مطرح کردند. دو مرتبه در سالین ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ م نظامیان آلمانی و امریکایی از اختلافات ملیشایی قومی و قبیله ای اقوام اقلیت علیه طالبان برای باز پس گیری کندز بهره برداری کردند. این امر علی الرغم نتیجه اقتضایی به کشیدگی بزرگ قومی منجر نشد.

### ایجاد حکومت موازی:

ستراتژی شورشیان طالب بر محور بهره برداری به موقع از نارسایی های دولت در تامین خدمات تکیه میکرد. طالبان باری که در دهکده ها مسلط میشدند، با گماشتن والی ها، قضات، مسئولین معارف ( کنترل نصاب درسی و منع آموزش دختران بالاتر از ۱۲ سال ) و تعامل با اونجی ها حکومت موازی ایجاد میکردند. در مرحله اول استقرار امارت اسلامی ( ۱۹۹۶- ۲۰۰۱ ) که امنیت آننین تامین شده بود، محاکم در مرکز توجه اداره امارات قرار داشت. در مناطق

تحت کنترول تعیین قضات از سال ۲۰۰۵ آغاز شد. در مرتبه دوم در آستانه فتح کابل در بخش بزرگ افغانستان قضات طالب فعال بودند. بیطرفی قضات اعتبار شانرا نزد روستانشینان ضمانت میکرد. در ولایت لوگر یکی از مراجعین محکمه میگوید: «اگر من ثروت میداشتم به قضات حکومتی مراجعه میکردم. کافی است به اینکه پول بدهید و برنده شوید. اما چون بینوا استم طالبان یگانه مرجع امید من است». یکی از اقارب فضل اکبر والی کنر (۲۰۰۲-۲۰۰۵) برداشت مشابه از وضعیت داشت. وی علی الرغم مخالفت سیاسی با طالبان در یک قضیه سرقت مواشی ترجیح داد به دلیل فساد در محاکم دولتی به قاضی طالب مراجعه کند. نامبرده میگوید مصارف عرضحال نزد مقامات رسمی وسیعاً از قیمت مواشی سرقت شده بلند بود.

### تحلیل ضابطه های غربی :

در ۱۷ اگست ۲۰۲۱ وزارت دفاع امریکا راپور ۱۲۲ صفحه یی سیگار را نشر کرد که طی آن یک ارزیابی از اوضاع بیست سال اخیر شده بود. در راپور میخوانیم که امریکا با بی ملاحظه گی مدل های تکنوکراتیک غربی را بر موسسات اقتصادی افغانستان تحمیل کرد. قوای امنیتی را برای استعمال سیستم سلاح پیشرفته آموزش داد که نه به استفاده از آن آشنائی حاصل شد و نه هم توانمندی حفاظت از آن بدست آمد.

امریکا به کشوری که در آن ۸۰ تا ۹۰ درصد اختلافات بر مبنای حقوق تعاملی حل و فصل میشد حقوق موضوعه را تحمیل کرد. امریکا ندرتاً موانع کولتوری و اجتماعی ایکه در مسیر تأمین حقوق زنان و دختران موجود بود درک میکرد و در رفع آنها تلاش میورزید. فقدان شناخت از واقعیت های کلیدی موجب میگردید که امریکائیان صلاحیت رسیدگی به بسیاری از امور روزمره را به ساختار های محلی انتقال بدهند. این امر زمینه های سوء استفاده از کمک، ثروت اندوزی و پارت بازی را مساعد گردانید. عدم آشنایی با واقعیت های محلی موجب میشد که از پروژه های مختص به حل اختلافات نتیجه معکوس یعنی تشدید منازعات بدست آید و در بدترین حالت منابع مالی بدسترس شورشیان قرار بگیرد.

در نتیجه نزد افغانان طالبان تجسم ضابطه حقوق در مقابل موسسات فاسد محصول مداخله خارجی قیاس میشوند. از بد حادثه (به زعم مداخله گران) طالبان بیشتر از ائتلاف نظامی خارجی ظرفیت بازسازی دولت را در خود میبینند. احتمالاً این شدیدترین محکومیتی است که در برابر بیست سال مداخله خارجی در افغانستان به آدرس ائتلاف نظامی بین المللی حواله میشود.

« پایان »



برای مطالب دیگر دوکتور م، عثمان تره کی روی عکس کلیک کنید